



Child Rights Journal

2023; 5(19): 95-110

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>International Think Tank of
Human DignityThe Iranian Association of
Medical LawThe Iranian Association of
Child Rights

The Bond between Family and School in Restorative Justice Teachings with an Emphasis on the Highlevel Instruments of the Islamic Republic of Iran

Seyed Ali Khamooshian¹, Mohsen Sahaf^{1*}

1. Department of Criminal Law for Children and Adolescents, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Children are the future builders of any society. Among socializing institutions, family and school are primary entities in shaping and developing children's personalities. Upon reaching a certain age and entering school, children may, due to age-related tendencies, engage in behaviors contrary to the law. Given the destructive nature of punitive responses and the vulnerability of children to such measures, the application of restorative justice principles should be prioritized. Despite the significance of this issue and the recognized need for implementing restorative programs in schools, Iran's legal system lacks clear and codified legislation in this regard. This study seeks to address the question: How can the implementation of restorative justice programs in response to crimes committed by students in Iranian schools be justified?

Method: This study is a review article employing a descriptive-analytical approach. It is fundamentally theoretical in its objectives, utilizing a documentary method. Data were collected and analyzed through library-based resources, including the examination of documents, judicial practices and other scholarly works.

Results: Among various restorative justice approaches to addressing crimes committed by students, family group conferencing appears to be the most effective response, fostering constructive interaction between family and school. Through these conferences, families and schools can collaboratively adopt the most appropriate measures for the child's upbringing. To justify the application of restorative justice principles in Iranian schools, the provisions outlined in the upstream documents of the Islamic Republic of Iran serve as valuable resources. These documents emphasize key issues such as the necessity of family-school collaboration, the establishment of parent-teacher associations, the promotion of non-judicial methods for case resolution and crime prevention through counseling and educational programs.

Conclusion: Given the absence of specific legislation regarding the use of restorative justice principles in addressing crimes committed by students in Iranian schools, it is imperative for lawmakers to enact dedicated laws or regulations in this field, considering the issue's significance. The emphasis in Iran's upstream documents on restorative justice programs, particularly family group conferencing and their necessity in schools further highlights the existing legal gap.

Keywords: Restorative Justice; Family and School; Student Crimes; Family Group Conferencing

Corresponding Author: Sayyed Ali Khamooshian; **Email:** seyedalikhamooshian747@gmail.com

Received: June 14, 2023; **Accepted:** October 11, 2023

Please cite this article as:

Khamooshian SA, Sahaf M. The Bond between Family and School in Restorative Justice Teachings with an Emphasis on the Highlevel Instruments of the Islamic Republic of Iran. *Child Rights Journal*. 2023; 5(19): 95-110.

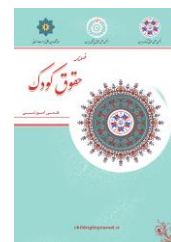


انجمن علمی حقوق کودک ایران | انجمن علمی حقوق پزشکی ایران | اندیشه بین المللی کرامت انسانی

فصلنامه حقوق کودک

دوره پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۹۵-۱۱۰

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>



پیوند خانواده و مدرسه در آموزه‌های عدالت ترمیمی با تأکید بر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران

سیدعلی خاموشیان^{*}، محسن صحاف^۱

۱. گروه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کودکان آینده‌سازان هر جامعه‌اند. از میان نهادهای جامعه‌پذیری، خانواده و مدرسه، از جمله نهادهای اولیه در تربیت و تکامل شخصیت کودکان هستند. کودکان معمولاً پس از گذراندن یک دوره سنی مشخص و با ورود به مدرسه ممکن است بنا به اقتضائات سنی، مرتکب رفتار خلاف قانون شوند. از میان شیوه‌های مختلف برخورد با جرائم، با توجه به مخرب‌بودن پاسخ‌های کیفری و آسیب‌پذیربودن کودکان در برابر این پاسخ‌ها، استفاده از آموزه‌های عدالت ترمیمی باید بیشتر مورد نظر باشد. با وجود اهمیت مسأله و احساس نیاز به اجرای برنامه‌های ترمیمی در مدارس، نظام حقوقی ایران در این زمینه فاقد قانون مدون و مشخصی است. بدین منظور، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در پاسخ به جرائم دانش‌آموزان در مدارس ایران چگونه قابل توجیه است؟

روش: نوع مطالعه در این مقاله از نوع مروری و روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. مقاله از منظر هدف، بنیادین و نظری است که در آن به شیوه اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، رویه‌ها و سایر آثار پژوهشی، داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها: به نظر می‌رسد از میان آموزه‌های مختلف عدالت ترمیمی در جرائم ارتكابی دانش‌آموزان، نشست‌های خانوادگی به منظور تعامل سازنده میان خانواده و مدرسه بهترین پاسخ است. به موجب این نشست‌ها، خانواده و مدرسه می‌توانند با همکاری یکدیگر مناسب‌ترین تدابیر را در راستای تربیت کودک اتخاذ کنند. به منظور توجیه استفاده از آموزه‌های عدالت ترمیمی در مدارس ایران، مفاد موجود در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، منابع ارزشمندی هستند. اسناد بالادستی در این زمینه بر محوریت مسائلی چون ضرورت مشارکت خانواده و مدرسه، ضرورت تشکیل انجمن اولیا و مربیان، ترویج روش‌های غیر قضایی رسیدگی و پیشگیری از جرم از طریق ارائه مشاوره و برگزاری دوره‌های آموزشی به بحث می‌پردازد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نبود قانونی مشخص در خصوص استفاده از آموزه‌های عدالت ترمیمی در پاسخ به جرائم ارتكابی دانش‌آموزان در مدارس ایران، شایسته است قانونگذار با عنایت به اهمیت مسأله، قانون یا مقررات ویژه‌ای در این زمینه به تصویب برساند. تأکید اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران به برنامه‌های عدالت ترمیمی به ویژه نشست‌های خانوادگی و ضرورت استفاده از آن‌ها در مدارس، خلأ قانونی موجود را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی؛ خانواده و مدرسه؛ جرائم دانش‌آموزان؛ نشست‌های خانوادگی

نویسنده مسئول: سیدعلی خاموشیان؛ پست الکترونیک: seyedalikhamooshian747@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Khamooshian SA, Sahaf M. The Bond between Family and School in Restorative Justice Teachings with an Emphasis on the Highlevel Instruments of the Islamic Republic of Iran. Child Rights Journal. 2023; 5(19): 95-110.

مقدمه

کودک از بدو تولد در محیط خانواده چشم به جهان می‌گشاید و حیاتی‌ترین دوران زندگی خود را در این محیط می‌گذراند. اندکی بعد، کودک برای رفتن به یک محیط جدید با فضایی متفاوت‌تر به نام مدرسه آماده می‌شود و یک زندگی مستقلانه را دنبال می‌کند. بنابراین خانواده و مدرسه جزء ابتدایی‌ترین نهادهایی است که کودک با آن‌ها مواجه می‌شود و غالب هنجارها و ارزش‌های مقبول اجتماعی را از آن‌ها فرا می‌گیرد. ارتباط و هماهنگی این دو نهاد با یکدیگر از چنان اهمیتی برخوردار است که غفلت از آن می‌تواند موجب قرارگیری کودک در مسیر انحراف شود. تغییرات جسمانی و روانی مختص دوران بلوغ مسأله دیگری است که در بروز رفتارهای آسیب‌زا چون زورگویی و انواع رفتارهای خشونت‌آمیز علیه سایر دانش‌آموزان و حتی آموزگاران، خسارت به اموال، ضرب و جرح، مصرف مواد مخدر یا خرید و فروش آن، سرقت و... تأثیرگذار است. چنین رفتارهای خلافی در بین دانش‌آموزان بسیار دیده می‌شود و از جمله مشکلاتی است که همه نظام‌های حقوقی دنیا را به چاره‌سازی واداشته است، به علاوه انگیزه و اغراض دانش‌آموزان از ارتکاب فعل مجرمانه در محیط مدرسه معمولاً متفاوت از بزرگسالان است، بدین‌منظور باید پاسخی افتراقی در قبال بزهکاری دانش‌آموزان در نظر گرفت. اتکای صرف به روش‌های تنبیهی، دورکردن دانش‌آموز متمرّد از محیط مدرسه و تحویل وی به مقامات رسمی و قضایی برگرفته از سیاست‌های تسامح صفر است. سیاست تسامح صفر در سال ۱۹۶۰ توسط نومحافظه‌کاران آمریکایی با هدف حفظ امنیت جامعه و کاهش خشونت‌ها مطرح شد، اما نه تنها جرائم کاهش پیدا نکرد، بلکه بحران این جرائم به دهه ۱۹۷۰ نیز کشیده شد (۱). دنبال کردن صرف این سیاست‌ها چیزی جزء

تحقق نظریات برچسب‌زنی در پی ندارد و احتمال بزه‌دیدشدن دانش‌آموز در فرایند رسیدگی دادگاه را دوجندان می‌کند. به تبع آن، بزه‌دیدشدن دانش‌آموز و الصاق برچسب منفی به وی، به تدریج او را از حضور در محیط‌های مثبت جامعه دور می‌کند و فرصت‌های اجتماعی را از وی سلب می‌نماید. همین اتفاق موجبی است تا فرد در سنین بزرگسالی به خاطر آسیب‌های دوران کودکی روی به بزهکاری بیاورد و گاهی هزینه‌ها و خسارات جبران‌ناپذیری به جامعه وارد سازد. بنابراین چنانچه از همان مراحل اولیه ارتکاب جرم، سیاست‌های غیر تنبیهی، غیر قضایی و مبتنی بر روش‌های عدالت ترمیمی را برگزینیم و به جای مسئول‌شناختن صرف دانش‌آموز، سایر نهادها چون خانواده را نیز دخیل بدانیم و به موجب تعامل آن‌ها با مدرسه موضوع را حل و فصل کنیم، احتمال بروز خطرات و آسیب‌های اخیرالذکر به حداقل ممکن خواهد رسید، البته این نکته را نیز باید خاطرنشان کرد که نقد سیاست‌های تسامح صفر، به معنای طرد کلی آن‌ها نیست. اعمال این سیاست‌ها در جای خود و به ویژه در جرائم سنگین و خطرناک مثمرتر است، اما در خصوص دانش‌آموزان که غالباً مرتکب جرائم خُرد می‌شوند، اعمال تدابیر ترمیمی انتخاب شایسته‌تری است، هرچند نظام‌های حقوقی با توجه به اهداف و ارزش‌های ملی خویش، نوع خاصی از پاسخ در برابر جرائم دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند، اما باید عنایت داشت که با توجه به خصوصیات ویژه کودکان و آسیب‌پذیری آن‌ها، انتخاب شیوه‌های مناسب برای برخورد با ناهنجاری‌های آن‌ها از اهمیت به سزایی برخوردار است. نظر به ناکارآمدی شیوه‌های قضایی و صرفاً تنبیهی نسبت به حل مسأله خشونت و سایر مشکل‌ها در مدارس، سازوکارهای عدالت ترمیمی در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد (۲). لازم به ذکر است که

موضع پژوهش حاضر، بحث در خصوص استفاده از برنامه‌های ترمیمی در پاسخ به جرائم ارتكابی دانش‌آموزان در مدرسه است که در چنین جرائمی ممکن است در صورت وجود بزه‌دیده، دانش‌آموز یا کادر آموزشی مدرسه آسیب‌دیده باشند، البته این به معنای ناکارآمدی برنامه‌های ترمیمی در رسیدگی به بزه‌دیدگی دانش‌آموزان نیست، بلکه برنامه‌های ترمیمی در هر دو حوزه بزهکاری و بزه‌دیدگی دانش‌آموزان می‌تواند ارزشمند و اثرگذار باشد. عدالت ترمیمی مفهوم تازه‌ای نیست و در مفاهیم سنتی عدالت در عهد باستان نیز جلوه‌هایی از این مفهوم دیده می‌شود. سال ۱۹۷۷ را می‌توان نقطه عطفی دانست که پس از آن، نهضت و جنبشی در قلمروی حقوق کیفری گسترش یافت که اکنون تحت عنوان عدالت ترمیمی مشهور گردیده است (۳). در حال حاضر، بالغ بر ۸۰ تا ۱۰۰ کشور جهان از این الگو برای واکنش نسبت به جرم استفاده می‌کنند که حداکثر استفاده از آن در رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان است (۴). عدالت ترمیمی از نگاه پژوهشگران و حقوقدانان بسیاری تبیین و تعریف شده است. بریثویت (Braithwaite)، عدالت ترمیمی را یک نوع عدالت رایزنانه می‌داند که به رایزنی و کنکاش افراد درباره پیامدهای جرم و چگونگی رسیدگی به این پیامدها و پیشگیری از رخداد مجدد آن‌ها مربوط می‌شود که هدف آن نهادینه‌سازی ساختن گردهم‌آیی کنشگران اصلی در رویداد جنایی، یعنی بزه‌دیده، بزهکار، خانواده، دوستان و تمامی کسانی که به آن‌ها نیازمندند، می‌باشد (۵). به اعتقاد هوارد زهر (Howard Zehr) عدالت ترمیمی، فرایندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبودبخشیدن و راست‌گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکان‌پذیر است، اقدام نمایند (۶). از زمانی که اجرای

صرف مجازات‌ها در نظام دادرسی اطفال و نوجوانان کارایی خود را از دست داد، روش‌های جایگزین چون عدالت ترمیمی مورد عنایت بیشتری قرار گرفت، چراکه نظام عدالت کیفری از یکسو با وارد کردن انگ مجرمانه به مرتکب، موجبات بزهکاری مجدد وی را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر در مورد بزه‌دیده با طولانی‌شدن پروسه کیفری، باعث بی‌اعتمادی و دل‌سردی وی به نهادهای رسمی قضایی می‌شود. در این زمینه، اصلی به نام اصل حداقل مداخله وجود دارد که مطابق آن، ضمانت اجرای کیفری و اعمال مجازات از سوی دادگاه، بایستی به عنوان آخرین وسیله و در حداقل موارد به کار رود (۷). در راستای اجرای این اصل، توسعه صلاحیت مراجع غیر کیفری مانند مدارس در رسیدگی به بزه‌های خرد و کوچک دانش‌آموزان، پیشگیری از وقوع جرائم و افزایش امکان مشارکت خانواده‌ها در قالب نشست‌های گروهی خانوادگی معنا پیدا می‌کند (۸). در اجرای الگوی عدالت ترمیمی روش‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود، اما کلید موفقیت برنامه‌های ترمیمی در مدارس، پیوند هرچه بیشتر خانواده‌ها با مدرسه است. این مشارکت، عامل مهمی است که موجب می‌شود فرهنگ ترمیم و بازسازی در مدارس و در جامعه رونق گیرد. توجیه فایده‌مندی عدالت ترمیمی بحث مفصلی نمی‌طلبد، چراکه بالغ بر دو دهه ویژگی‌های این الگو در ده‌ها کتاب و مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. با این حال به اختصار مهم‌ترین خصوصیات عدالت ترمیمی یادآوری می‌شود. در اجرای عدالت ترمیمی، همه سهامداران جرم، از جمله بزهکار، بزه‌دیده، خانواده‌های طرفین، سرپرستان مدارس و سازمان‌های غیر دولتی مرتبط با یکدیگر مشارکت و تعامل دارند و تلاش می‌کنند تا موضوع را با رعایت احترام و حفظ شأن و منزلت اطراف دعوا به سرانجام برسانند (۹-۱۰). عدالت ترمیمی در تلاش است تا از یکسو بزهکار

به صورت آگاهانه و داوطلبانه مسئولیت رفتار خود را بپذیرد و زمینه اصلاح و بازپروری وی فراهم گردد و از دیگرسو، نیازها و حس امنیت و آرامش بزه‌دیده تأمین شود. اجرای غیر علنی و محرمانه برنامه‌های ترمیمی ویژگی مهم دیگری است که موجب جلوگیری از بروز بزه‌دیدگی ثانویه و برچسب‌خوردن فرد در جامعه می‌شود (۱۱). برای اجرای عدالت ترمیمی اشکال مختلفی از جمله میانجی‌گری میان بزه‌دیده و بزهکار (Victim-Offender-Mediation)، نشست یا کنفرانس (Conferencing)، حلقه‌ها یا محافل (Circles)، استرداد (Restitution)، انجام خدمات اجتماعی یا عام‌المنفعه (Community Service)، هیأت‌های ترمیمی جامعه محلی (Community Restorative Boards) و اظهارات بزه‌دیده درباره آثار جرم بر وی (Victim Impact Statements) پیش‌بینی شده است. اتفاقی‌بودن بزهکاری کودکان و نوجوانان و شرایط خاص جسمی و روحی آن‌ها ایجاب می‌کند در برخورد با آن‌ها از شیوه‌هایی متفاوتی نسبت به بزهکاران بزرگسال استفاده گردد و در صورت امکان باید از ورود آن‌ها به نظام دادرسی رسمی جلوگیری شود. به همین منظور عدالت ترمیمی و اجرای تدابیر اخیرالذکر با توجه به اصول و اهدافی که دارد به عنوان رویکردی متفاوت در حمایت از کودکان و نوجوانان بزهکار قابل اعمال است. یکی از مهم‌ترین بسترها برای حمایت از اطفال و نوجوانان و اجرای تدابیر عدالت ترمیمی، مدرسه است. شیوه‌های رایج برخورد با جرائم و تخلفات دانش‌آموزان، از جمله اخراج و تنبیه و یا تحویل فرد به مراجع قضایی هرگز نمی‌توانند زمینه یا علل بروز جرم را از بین ببرند و دانش‌آموزان را هرچه بیشتر از محیط جامعه دور و بازگشت آن‌ها را ناممکن‌تر می‌سازند (۱۲). بنابراین با این اوصاف، عدالت ترمیمی بهترین گزینه در برخورد با انحرافات و جرائم دانش‌آموزان است و

مطالعات نشان می‌دهد که اجرای عدالت ترمیمی در مدرسه باعث کاهش تعلیق، اخراج، کاهش دعاواها و سایر اعمال خشونت‌آمیز و کاهش سوءمصرف مواد می‌گردد. از همه مهم‌تر عدالت ترمیمی در مدارس باعث بهبود روابط و افزایش درک ایمنی در افراد آسیب‌دیده می‌گردد (۱۳). در مدارس ایران غالباً استفاده از تدابیر انضباطی سخت‌گیرانه، تنبیه و رسیدگی رسمی حاکمیت دارد و در نتیجه منجر به تحویل فرد خاطی به دستگاه قضایی می‌شود، چراکه به کارگیری روش‌های جایگزین و ترمیمی بنا به دلایلی چون زمان‌بر بودن، کمبود بودجه، جمعیت بالای دانش‌آموزان و خلأهای قانونی مبنی بر اعمال این تدابیر، به فراموشی سپرده می‌شود (۱۴). در سال‌های اخیر، در خصوص کاربرد روش‌های اجرای عدالت ترمیمی در مدارس، با توجه به اثرات مثبتی که این آموزه‌ها در مدارس جهان داشتند، پژوهشگران در این زمینه قلم فرسایی نمودند. مقاله «رسیدگی ترمیمی به جرائم نوجوانان دانش‌آموز با تکیه بر ظرفیت‌های مدارس» اثر ماجده محمدی و مهرنوش ابوذری در سال ۱۳۹۸ و مقاله «مطالعه تطبیقی کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در مدرسه» اثر سودابه رضوانی و روح‌الدین کردعلیوند در سال ۱۳۹۷ به بحث در این زمینه پرداخته‌اند. در پژوهش‌های اخیر، ضمن اشاره به روش‌های اجرای عدالت ترمیمی در مدرسه، به صورت گذرا از آن‌ها عبور شده است و در خصوص روش‌های خانواده محور اجرای عدالت ترمیمی چون نشست‌های خانوادگی به اختصار توضیحاتی دیده می‌شود، اما پژوهش حاضر، به موجب اهمیت تعامل خانواده و مدرسه، نشست‌های خانوادگی را با تفصیل بیشتر تبیین می‌نماید و برای توجیه بیشتر اجرای این روش‌ها در مدارس، از ظرفیت اسناد بالادستی موجود بهره می‌برد. مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقش مدارس در پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال» اثر عبدالمهدی

روش

از منظر هدف، پژوهش بنیادین و نظری است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و گردآوری داده از طریق اسنادی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، قوانین و اسناد بالادستی صورت گرفته است.

یافته‌ها

۱. **الگوهای تعامل خانواده و مدرسه:** در انتخاب بهترین شیوه اجرای عدالت ترمیمی در مدرسه، روشی باید برگزیده شود که موجب تقویت تعامل دو نهاد خانواده و مدرسه است. تعامل خانواده و مدرسه از آن جهت حائز اهمیت است که دانش‌آموزان بیشترین وقت خود را در محیط خانواده می‌گذرانند و امروزه کاملاً ثابت شده است که درک رفتارهای اطفال و نوجوانان به تنهایی و بدون بررسی زمینه و شرایط خانوادگی وی بی‌فایده است (۱۵). مشارکت خانواده و مدرسه جایگاه بسیار مهمی در زندگی کودکان و شکل‌گیری شخصیت آن‌ها دارد و به همین جهت می‌تواند نقش مهمی در امر شناسایی کودکان بزهکار یا در معرض خطر بزهکاری و حل مشکلات آن‌ها ایفا نماید (۱۶). در واقع غایت اصلی از پیش‌بینی و طراحی نظام چند نهادی (مراد از نظام چند نهادی، تعامل چند نهاد با یکدیگر به جهت تحقق هدفی مشخص است که در گفتار حاضر، تعامل خانواده و مدرسه بیشتر مورد توجه می‌باشد)، پیشگیری، مبارزه با علل ریشه‌ای جرم و بزه، حمایت از بزه‌دیدگان و کاهش فرصت‌های مجرمانه است (۱۷). نشست‌ها یا کنفرانس‌ها و از جمله نشست‌های گروهی خانوادگی (Family Group Conference) یکی از منتخب‌ترین تدابیر برای اجرا در مدرسه و در راستای تعامل گسترده‌تر خانواده و مدرسه هستند. نشست‌های خانوادگی نوعی ملاقات برای تصمیم‌گیری و مواجهه چهره به چهره بزهکاران و خانواده

شریف‌نژاد، بهنام یوسفیان شوره‌دلی و محمدجواد باقی‌زاده در سال ۱۴۰۱ به مرحله پیشگیری از جرم در مدارس قبل از ارتکاب جرم می‌پردازد، در حالی که پژوهش حاضر، به نوع رسیدگی پس از ارتکاب جرم در مدارس اختصاص دارد و از این منظر نیز دارای ابتکار و نوآوری است. مقاله دیگری با عنوان «جرائم دانش‌آموزان علیه مدارس؛ بستری بالقوه برای رویکرد عدالت ترمیمی (مطالعه موردی اقدامات به عمل آمده توسط دانشگاه کانبرا - استرالیا)» اثر هتر استرانگ (Heather Strang) در سال ۱۳۹۱ همچون پژوهش حاضر، به بحث در خصوص جرائم دانش‌آموزان و کاربرد عدالت ترمیمی در پاسخ به جرم می‌پردازد؛ با این تفاوت که در مقاله حاضر با بررسی مفاد اسناد بالادستی و در مقاله دیگر با مطالعه تطبیقی از تحقیقات دانشگاهی در استرالیا، فایده‌مندی برنامه‌های ترمیمی بررسی شده است. در واقع می‌توان گفت تا به حال جلوه‌های عدالت ترمیمی در اسناد بالادستی به این شکل مورد واکاوی قرار نگرفته است. در نشستی علمی با موضوع «رویکرد عدالت ترمیمی به خشونت در مدارس» با سخنرانی زهرا بازرگان و والری بریث ویت در سال ۱۳۹۶ به تأثیر عدالت ترمیمی در کنترل جرائم خشونت‌آمیز در مدرسه پرداخته شد، در حالی که در پژوهش فعلی، به تأثیر عدالت ترمیمی در کلیه جرائم ارتكابی دانش‌آموز در مدرسه پرداخته شده است. در این راستا این پژوهش در تلاش است تا با روش توصیفی - تحلیلی و با گردآوری داده از طریق اسنادی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و قوانین و اسناد موجود، به لحاظ قانونی ظرفیت نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پذیرش روش‌های عدالت ترمیمی و آن هم روش‌هایی که تعامل دو نهاد خانواده و مدرسه را تقویت می‌کنند، مورد بررسی قرار دهد و صحت بهره‌گیری از آن‌ها را توجیه نماید.

آن‌ها، بزه‌دیدگان و حامیان آن‌ها و سایر افراد در صورت لزوم است. این برنامه توسط یک هماهنگ‌کننده یا تسهیل‌کننده اداره می‌شود که به صورت حرفه‌ای مددکار اجتماعی است و بایستی بی‌طرف باشد و بدون جبهه‌گیری به طرف خاصی به حل و فصل موضوع بپردازد (۱۸). تسهیل‌کننده از مرتکبین می‌خواهد تا در خصوص آنچه رخ داده است، توضیح دهند و اینکه چه احساسی نسبت به جرم دارند و به نظر آن‌ها چه اقداماتی باید انجام گیرد. در ادامه از بزه‌دیدگان خواسته می‌شود تا صدمات جسمی، روحی، روانی و مالی ناشی از جرم را توصیف کنند. در مورد جرائم واقع در مدرسه، بزه‌دیدگانی که در جلسه مذاکره حاضر می‌شوند ممکن است شامل مدیر مدرسه، برخی معلمان و دانش‌آموزان و اعضای خانواده دانش‌آموزان باشند (۱۴). در نهایت، توافقات پایان نشست که طیف گسترده‌ای دارد، ممکن است شامل استرداد و جبران خسارت، انجام خدمات عام‌المنفعه برای جامعه یا انجام خدمات شخصی برای بزه‌دیده باشد (۱۹). در خصوص مکان اجرای نشست، خود مدرسه بهترین مکان برگزاری جلسات است، زیرا بر پایه اصول مدل عدالت ترمیمی، بزه باید ترجیحاً در قلمروی جامعه محلی که جرم در آن حوزه اتفاق افتاده است، به وسیله اعضای آن جامعه محلی بین بزه‌دیده و بزه‌کار حل و فصل شود (۹). مقصود از جامعه محلی کلیه اشخاص یا نهادهایی است که ممکن است به دلیل ارتباط با بزه‌کار، بزه‌دیده و یا تأثیرپذیری از جرم و نتایج آن بتوانند در فرایند پاسخ‌دهی به جرم، مسئولیت‌پذیرکردن بزه‌کار و جلب رضایت بزه‌دیده تأثیرگذار باشند (۲۰). بزه‌دیدگانی که در فرایند نشست حاضر می‌شوند ممکن است مدیر مدرسه، بعضی معلمان و دانش‌آموزان و اعضای خانواده دانش‌آموزان باشد. آن‌ها باید هر شخصی را که در اجتماع مدرسه در اثر جرم آسیب دیده است، معرفی نمایند (۱۴).

نشست‌های خانوادگی از نظر اجراشدن در سطح بسیار بالاتری از احکام دستگاه‌های قضایی قرار دارند، چون به جای آنکه یک دستور باشند یک نوع قراردادند و همین توافق جمعی، احتمال شکست تعهدات حاصله را کاهش می‌دهد (۲۱). نشست‌های خانوادگی سبب می‌شود که رسیدگی به جرم دانش‌آموزان به افرادی واگذار شود که نه تنها بیش از هر کس دیگری بزه‌کار و بزه‌دیده را می‌شناسند و به پیشینه رفتاری و شخصیتی آن‌ها آگاه هستند، بلکه دلسوزترین افراد و راغب‌ترین آن‌ها به منفعت و مصلحت این دو محسوب می‌شوند. به علاوه بر خلاف رسیدگی قضایی که برای قاضی تبدیل به شغل روزمره شده است، در یک نشست خانوادگی، موضوع برای تمام حاضران در فرایند رسیدگی تازه و خاص محسوب می‌شود، به نحوی که بیشترین تلاش فکری و عملی خود را برای دست‌یافتن به بهترین نتیجه انجام خواهند داد (۱۲). حامیان بزه‌کار و کسانی که با او در ارتباط هستند در نشست‌های خانوادگی نقش مستمری را در نظارت بر رفتار آتی مجرم و اطمینان از رعایت اقدامات بازپروری و ترمیمی ایفا می‌کنند که بزه‌کار به انجام آن‌ها موافقت کرده است و همین مسأله موجب مسئولیت‌پذیری مرتکب و پیشگیری از تکرار مجدد جرم می‌شود (۲۲). برگزاری نشست خانوادگی در مدرسه باعث می‌شود که مدرسه به برخی نقاط ضعف خود در اجرای وظایف یا امور مدیریتی آگاه شود. همچنین خانواده‌ها نیز به خطاهای تربیتی یا برخی قصورات و کوتاهی‌های خود آگاهی پیدا کنند و نحوه صحیح فرزندپروری را فرا بگیرند. در کاهش خشونت و رفتارهای خشونت‌آمیز نیز استفاده از ظرفیت‌های خانواده و مدرسه در قالب نشست‌ها می‌تواند در کنترل و مدیریت شرم حاصله از رفتار خشونت‌آمیز و در نتیجه کاهش میزان خشونت در مدارس سهم به سزایی داشته باشد (۲۳). در سال ۱۹۸۹، نیوزیلند برای نخستین بار

استفاده از نشست‌های گروهی خانوادگی (FGC) را در قانون منعکس کرد (۲۴). در نیوزیلند سیستم استفاده از نشست‌های خانوادگی به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است که کلیه قضایا و پرونده‌های ناظر به جرائم کودکان و نوجوانان، از جمله جرائم دانش‌آموزان به استثنای قتل عمدی و غیر عمدی به آن ارجاع می‌شود (۱۸). در استرالیا و به ویژه در کوئینزلند از سال ۱۹۹۴ به اجرای برنامه‌های ترمیمی در خصوص جرائم ارتكابی در مدارس و از جمله جرائمی چون ضرب و جرح، سرقت، جرائم مواد مخدر و تهدید و ارباب اقدام شده است. با توجه به این تجربه اجرای برنامه نشست‌های ترمیمی در مدارس دولتی در نیوئاوت ولز (New South Wales) از سال ۱۹۹۷ آغاز شده است. مطابق یکی از ارزیابی‌های صورت‌گرفته، نشست‌های ترمیمی مؤثرترین برنامه برای برخورد با خشونت‌های صورت‌گرفته توسط دانش‌آموزان مدارس نسبت به یکدیگر بود. همچنین ارزیابی‌ها حاکی از توفیق این برنامه‌ها در کاهش اختلافات و کاهش میزان اشتغال مراجع رسمی، از جمله دادگاه‌ها است (۲۵). در خصوص روش اجرای نشست گروهی خانوادگی باید به دو مدل استرالیایی و نیوزیلندی اشاره کرد. به طور خلاصه در مدل استرالیایی، اجرای برنامه نشست بر عهده پلیس است، در حالی که در مدل نیوزیلندی، اجرای آن بر عهده مددکار نوجوانان می‌باشد. در مدل استرالیایی تسهیل‌کننده اجرای برنامه تلاش می‌کند تا آنجایی که امکان دارد کلیه سهامداران کیفری و کسانی را که از ارتکاب جرم متأثر شده‌اند، حتی همسایه‌ها را گرد هم بیاورد. همچنین در مدل استرالیایی جرائم نه‌چندان شدید مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، در حالی که در مدل نیوزیلندی جرائم شدید نیز به طور غالب مورد توجه واقع می‌شوند (۲۶). در میان این دو روش، به نظر روش نیوزیلندی با نظام دادرسی کودکان و نوجوانان سازگارتر

است، چراکه در مدل استرالیایی اول اینکه حضور پلیس به عنوان تسهیل‌کننده نشست، خود جو سنگین و رعب‌آمیزی به جلسه می‌دهد و ممکن است طفل یا نوجوان نتواند به راحتی احساسات خود را بروز دهد؛ دوم اینکه دعوت گسترده از سهامداران جرم حتی همسایه‌ها ممکن است نشست را از حالت محرمانگی خارج نماید، البته ناگفته نماند که رسیدگی به جرائم شدید در نشست‌ها در مدل نیوزیلندی نیازمند ساختار ویژه‌ای است که این کشور چنین ساختاری را به طور منظم تنظیم کرده است، در حالی که اصولاً توصیه می‌شود در جرائم خطرناک و شدید کودکان و نوجوانان واکنش‌های غیر رسمی و تدابیر عدالت ترمیمی اجرایی نشود و در عوض مراجع رسمی عدالت کیفری وارد عمل گردند (۲۷). لازم به ذکر است که این شیوه از عدالت ترمیمی باید به طور اصولی و با ضوابط خاص خود به کار گرفته شود. برای نمونه، چنانچه بزهکار در این جلسات به صورت ناصحیحی احساس شرمساری کند، ممکن است در معرض الصاق برچسب و تبعات منفی روحی و روانی ناشی از آن قرار گیرد که سرانجام گریز او از جامعه و احتمال تکرار جرم را به دنبال دارد (۱۹). نشست‌های خانوادگی با میانجی‌گری مشابهت‌هایی دارد، اما مهم‌ترین وجه تمایز آن‌ها در تعداد افراد حاضر در جلسه است، به طوری که معمولاً در نشست‌ها تعداد بیشتری از افراد، از جمله اعضای خانواده بزهکار و بزه‌دیده و وابستگان آن‌ها و همچنین دیگر اعضای جامعه محلی حضور دارند (۲۸). یک شکل دیگر از اجرای نشست‌ها، نشست‌های جامعوی (Community Conference) یا هیأت‌های قضا‌دایی - ترمیمی جامعه محلی هستند. در این شیوه، فرایند رسیدگی به هیأتی واگذار می‌شود که سابق بر وقوع جرم تشکیل شده و اعضای آن متشکل از تعدادی شهروندان به نمایندگی جامعه محلی است که دارای تجربه و

آموزش‌دیده هستند و به صورت داوطلبانه فعالیت می‌کنند (۲۰). این نوع نشست کارکردی شبیه نشست خانوادگی دارد و افراد حاضر در آن، شامل کسانی هستند که وظیفه حفاظت و مراقبت از بزه‌کار و بزه‌دیده را بر عهده دارند. این افراد معمولاً شامل والدین، سرپرستان، آموزگاران، همسالان، مددکاران اجتماعی و دیگر افراد متخصص و افراد مورد اعتماد بزه‌کار و بزه‌دیده هستند (۱۴)، اما به هر حال نشست‌های خانوادگی به دلیل نقش پررنگ‌تر خانواده‌ها در آن نسبت به سایر روش‌ها اولویت دارد.

۲. آموزه‌های عدالت ترمیمی در بستر اسناد بالادستی: نظریات جدید علوم جرم‌شناسی، دکترین حقوقی و نمایان‌شدن آسیب‌های عدالت کیفری رسمی باعث شده است تا تحولات چشم‌گیری در گفتمان عدالت ترمیمی به وجود آید، به علاوه کشورها نیز تمایلات جدی‌ای در استفاده از روش‌های ترمیمی، غیر قضایی و جایگزین‌های مجازات نشان داده‌اند. بر همین اساس، سیاست‌گذاران ایرانی نیز در سال‌های اخیر به روش‌های

عدالت ترمیمی تمایل نشان داده‌اند و به وضوح این تمایل را در اسناد بالادستی می‌توان مشاهده نمود. برای نمونه، پیش‌بینی نهادهایی چون مجازات‌های جایگزین حبس، نظام نیمه‌آزادی، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و تعویق صدور حکم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و همچنین ایجاد شوراهای حل اختلاف به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکت‌های مردمی و حل و فصل امورات جزئی برگرفته از آموزه‌های عدالت ترمیمی هستند (۲۹-۳۰)، اما با این حال استفاده از تدابیر ترمیمی در سطح مدرسه و در قبال جرائم واقعه توسط دانش‌آموزان مغفول مانده است. متأسفانه تا به حال هیچ قانون مجزایی برای نحوه رسیدگی ویژه به جرائم دانش‌آموزان و اجرای آموزه‌های عدالت ترمیمی در محیط مدرسه پیش‌بینی نشده است، البته در اسناد بالادستی موجود پس از انقلاب اسلامی اشاراتی به برخی اصول و روش‌های عدالت ترمیمی به چشم می‌خورد که در جدول زیر به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم.

جدول ۱: بررسی اسناد بالادستی، قوانین و آیین‌نامه‌ها

اسناد، قوانین و آیین‌نامه‌ها	موضوع	ماده یا بند مربوطه
قانون برنامه هفتم توسعه	پیشگیری اولیه از بروز آسیب‌های اجتماعی (قبل از وقوع جرم).	بند «ب» ماده ۸۵
	پیشگیری و مقابله با جرم از طریق به کارگیری انواع روش‌های تربیتی و استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌ها و نهادهای متولی.	بند «ج» ماده ۸۹
	دسترسی حداکثری آحاد مردم به روش‌های جایگزین رسیدگی قضایی ^۱ .	ماده ۱۱۲
	ضرورت به کارگیری روش‌های غیر قضایی و ترمیمی نسبت به کودکان و نوجوانان ^۲ .	مقدمه (دلایل توجیهی)
لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان	تکلیف وزارت آموزش و پرورش به پیشگیری و حمایت از کودکان و نوجوانان با مشارکت اشخاص غیر دولتی از طریق:	
	- تشکیل کارگروه شناسایی و کاهش آسیب در مدرسه.	
	- انجام اقدامات حمایتی لازم نسبت به کودکان و نوجوانان بزه‌کار، بزه‌دیده یا در معرض خطر یا معرفی آن‌ها به نهادهای حمایتی و قضایی ^۳ .	ماده ۷
	- برگزاری دوره‌های آموزش مهارت زندگی و آموزش‌های مرتبط با حقوق اطفال و نوجوانان.	
	- برگزاری جلسات مشاوره با کودکان و نوجوانان بزه‌کار، بزه‌دیده یا در معرض خطر، والدین و سایر اشخاص مرتبط با آن‌ها ^۴ .	
	تلاش برای کاهش حضور فیزیکی طفل یا نوجوان بزه‌کار، بزه‌دیده یا در معرض خطر در مراجع انتظامی و قضایی برای جلوگیری از ورود آسیب به آنان.	ماده ۱۶
	ممنوعیت ورود پلیس به مدرسه، مگر در موارد خاص و با رعایت شرایط ذکر شده.	ماده ۲۸
	به رسمیت‌شناختن روش‌های غیر قضایی رسیدگی چون نشست خانوادگی.	ماده ۲۹
	تشریح شرایط و نحوه اجرای نشست خانوادگی ^۵ .	مواد ۳۰ تا ۳۷
	توجه به اصل محرمانگی در رسیدگی‌های غیر قضایی و نشست خانوادگی.	ماده ۴۲
	محترم‌شمردن و ترتیب‌اثر دادن به توافقات حاصله در رسیدگی‌های غیر قضایی.	ماده ۴۳
	ضرورت تعیین ضوابط مربوط به کیفیت و معماری مکان‌های برگزاری نشست‌های خانوادگی.	ماده ۴۶
آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ شورای عالی آموزش و پرورش	ضرورت مشارکت خانواده و مدرسه.	بند ۵ اهداف
		بند ۱۱ ماده ۵
		اصل مشارکت و اصل برنامه‌محوری ماده ۶
		بند ۳ ماده ۷
ضرورت تشکیل انجمن اولیا و مربیان.		بند ۲ بخش برنامه‌ریزی ماده ۱۰
		بند ۴ بخش سازماندهی ماده ۱۰
		بند ۱۴ بخش اجرا و پشتیبانی ماده ۱۰
		بند ۴ بخش سازماندهی ماده ۱۰

اسناد، قوانین و آیین‌نامه‌ها	موضوع	ماده یا بند مربوطه
	پیشگیری از جرم ^۶ از طریق گسترش آموزه‌های رشدمدار.	ماده ۲-۲-۲
	پیشگیری وضعی به منظور کاهش عوامل مخاطره‌آمیز دانش‌آموزان.	ماده ۲-۳-۸
سند ائتلاف ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان مصوب ۱۳۹۴/۰۹/۱۶ شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی	برگزاری دوره‌های آموزش پیشگیری رشدمدار.	ماده ۴-۲-۳
	برگزاری دوره‌های آموزشی برای خانواده‌ها (به ویژه موارد لازم‌التوجه).	ماده ۴-۲-۳-۲
	پیش‌بینی نظام مراقبت اجتماعی ^۷ .	ماده ۱-۲
	تکلیف قوه قضاییه به تدوین و پیشنهاد لیست عناوین و آسیب‌های اولویت و تصویب مقررات، ضوابط، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با پیشبرد اهداف این سند.	مواد ۵-۲-۳-۳ و ۵-۲-۳-۴
سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ابلاغی مقام معظم رهبری ۱۳۹۲/۰۲/۰۵	ضرورت مشارکت خانواده و مدرسه.	بند ۶-۱ بند ۸
آیین‌نامه مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۱۴	ضرورت مشارکت دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیر دولتی.	ماده ۱۳
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۰۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی	ضرورت مشارکت خانواده و مدرسه.	بند ۱۴ فصل ۲ بند ۵ فصل ۵ بند ۵ و ۸ فصل ۶ راهکار ۴/۴ فصل ۷
آیین‌نامه مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۱۴	ضرورت مشارکت دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیر دولتی.	ماده ۱۳
اساسنامه انجمن مرکزی اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۰۳/۱۹	ضرورت تشکیل انجمن اولیا و مربیان.	تمام مواد

^۱ این نشان از تمایل شدید سیاست‌گذاران به حرکت نظام دادرسی به سمت عدالت ترمیمی است.

^۲ این لایحه، نخستین سندی است که در آن در اصطلاح «برای کودکان و نوجوانان» استفاده شده است.

^۳ در این بند به نظر می‌رسد به مدرسه در رسیدگی به بزهکاری دانش‌آموزان و دست کم در جرائم خُرد آن‌ها صلاحیت داده شده است.

^۴ در این بند، با تسامح می‌توان امکان حل و فصل جرم واقع‌شده در مدرسه، توسط روش‌های عدالت ترمیمی و نشست‌های خانوادگی را برداشت کرد.

^۵ اجرای روش‌های غیر قضایی با ارجاع مقام قضایی و تحت نظر وی توسط پلیس ویژه اطفال یا مددکار اجتماعی انجام می‌گیرد.

^۶ البته پیشگیری از جرم که شکل عمده آن مربوط به قبل از وقوع جرم است، در حیطه موضوع ما قرار نمی‌گیرد، اما از جهتی می‌توان سطحی از پیشگیری را نیز مربوط به مرحله پس از ارتکاب جرم و برای جلوگیری از تکرار مجدد جرم دانست که از این منظر اجرای برنامه‌های پیشگیری می‌تواند بخشی از اهداف عدالت ترمیمی را تأمین کند. به موارد و موضوعات فوق به تفکیک هر سند در جدول اخیر اشاره شده است.

^۷ منظور از این نظام، مجموعه‌ای نظام‌یافته از خدمات و برنامه‌ها، شامل غربالگری، آموزش، توانمندسازی و حمایت‌های روانی - اجتماعی، به منظور مراقبت دانش‌آموزان در برابر رفتارهای پرخطر، آسیب‌های اجتماعی و جرائم از طریق مداخله به موقع و مؤثر است. این نهاد با مشارکت بین‌بخشی میان مدرسه، خانواده و محله استقرار پیدا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از محیط‌هایی که وقوع تخلف و جرم در آن امری غیر قابل اجتناب است، مدرسه می‌باشد، زیرا در این محیط دانش‌آموزان با فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر در ارتباط هستند و هر لحظه، امکان تعارض و اختلاف میان آن‌ها وجود دارد. به دلیل ناکارآمدی روش‌های تنبیهی و مداخلات عدالت کیفری، روش‌های ترمیمی به خصوص در جرائم کودکان و نوجوانان مناسب‌ترین پاسخ است، چراکه دیدگاه ترمیمی، ضمن مسئولیت‌پذیر کردن مرتکب و الزام وی به پذیرش خطا و جبران آسیب‌های وارده به بزه‌دیده، زمینه بازاجتماعی‌شدن او را فراهم می‌کند. با اینکه برنامه‌های ترمیمی در ساحت‌های مختلفی مورد ارزیابی قرار گرفته است، اما در خصوص کاربرد آن در مدرسه جز در برخی مقالات در سال‌های اخیر، کار علمی جدی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با استفاده از اسناد بالادستی موجود به دنبال مشروعیت‌بخشیدن به روش‌های خانواده‌محور عدالت ترمیمی و تبیین و تشریح ضرورت استفاده از آن در مدرسه است و از این جهت، دارای نوآوری است. از میان روش‌های مختلف در اجرای عدالت ترمیمی، بهترین شیوه اجرایی در مدرسه، برگزاری نشست‌هایی چون نشست‌های خانوادگی و ترجیحاً مدل نیوزلندی است. در این نشست‌ها می‌توان ارتباط خوبی میان خانواده و مدرسه برقرار کرد و با به دست‌آمدن توافق، ضمن برقراری یک دادرسی عادلانه، امنیت و آرامش درونی بزه‌دیده را تأمین نمود. در کشور ایران، جهت اجرای عدالت ترمیمی لایحه‌ها و قوانین متعددی چون لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان، آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۸۱، آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴ و... به تدوین یا تصویب رسیده است، اما متأسفانه با وجود برخی اسناد

علاوه بر مقررات داخلی موجود، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز به ضرورت استفاده از عدالت ترمیمی در پاسخ به جرائم کودکان و نوجوانان و از جمله دانش‌آموزان تأکید دارند. بند ۲۲ رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض) دستگاه‌های آموزش و پرورش را به همکاری و تعامل با والدین اطفال و نوجوانان مکلف می‌کند. بند ۳۱ این رهنمود، به لزوم حضور نماینده و والدین دانش‌آموزان در جلسات انضباطی و تصمیم‌گیری اشاره دارد. کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۴۰، کشورهای عضو را به وضع مقرراتی برای برخورد با اطفال بزهکار بدون توسل به دادرسی‌های قضایی به شرط رعایت حقوق بشر و ضمانت‌های حقوقی تشویق می‌کند. ایران در سال ۱۳۷۲ با حق شرط این کنوانسیون را تصویب کرده است و به موجب ماده ۹ قانون مدنی، مفاد این کنوانسیون و از جمله ماده ۴۰ آن در حکم قوانین عادی است؛ بنابراین پایبندی به مفاد آن همواره باید در نظر سیاستگذاران و مقنن باشد. ماده ۱۱ حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) نیز در ۴ بند به مسأله قضا‌دایی پرداخته و در ماده ۲-۱۱ مقرر شده است که قضا‌دایی می‌تواند در هر مرحله‌ای از تصمیم‌گیری توسط نیروی انتظامی، دادستانی یا سایر نهادها اعمال شده و این مقامات بنا به صلاحدید خود و مطابق اختیاراتی که در قانون به آن‌ها اعطا گردیده، از ارجاع پرونده به رسیدگی‌های رسمی جلوگیری نمایند (۳۱). همچنین سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ با تصویب قطعنامه «اصول بنیادین استفاده از برنامه‌های ترمیمی در امور کیفری» بر ضرورت استفاده از برنامه‌های ترمیمی در امور کیفری به ویژه نسبت به اطفال و نوجوانان معارض با قانون تأکید نموده است.

بالادستی و اشارات غیر مستقیم آن‌ها، هیچ قانون ویژه و اختصاصی برای نحوه رسیدگی به جرائم دانش‌آموزان به شیوه عدالت ترمیمی و به ویژه نشست‌های خانوادگی تصویب نشده است. با توجه به اینکه کلیت عدالت ترمیمی و مزایای آن مورد پذیرش سیاستگذاران و مقنن ایرانی است و در حال حاضر از این الگو در بسترهای مختلفی استفاده می‌شود، بهره‌گیری از این مدل در مدارس نیز ممکن است؛ به علاوه اینکه دانش‌آموزان به اقتضای شرایط سنی خود نیازمند حمایت ویژه‌تری هستند و بیش از دیگر افراد به بهره‌مندی از مزایای تدابیر ترمیمی احتیاج دارند. به لحاظ تقنینی، اسناد بالادستی ظرفیت مناسبی برای ایجاد عدالت ترمیمی در مدرسه فراهم کرده‌اند و در برخی مواد به صراحت بر استفاده از روش‌های تربیتی و مراقبتی برای مدیریت بزهکاری دانش‌آموزان و آن هم با همکاری سایر نهادها چون خانواده و جامعه محلی (مدیران مدرسه، همسالان و...) پافشاری می‌کنند. در سطح بین‌المللی نیز شاهد تأثیر مثبت عدالت ترمیمی در مدارس هستیم. شایسته است تا قانونگذاران و سیاستگذاران ایرانی با الگوگیری از تجارب سایر نظام‌های حقوقی لاقفل در جرائم خفیف دانش‌آموزان در مدرسه روش‌های عدالت ترمیمی را بپذیرند و زمینه و امکانات لازم جهت اجرای روش‌های عدالت ترمیمی را فراهم نمایند، به علاوه به نظر می‌رسد با توجه به الزام‌آور بودن اسناد بین‌المللی که جمهوری اسلامی ایران را به آن پیوسته است و روح حاکم بر اسناد بالادستی موجود، ظرفیت کافی برای پذیرش روش‌های عدالت ترمیمی در مدارس ایران و به ویژه اجرای شیوه‌های خانواده‌محور وجود دارد. این مهم جز با همکاری مجلس شورای اسلامی و تدوین قوانین مناسب و گویا و دولت جهت تأمین بودجه کافی وجود ندارد.

در نهایت، تحقق اهداف پژوهش حاضر، منوط به کاربرست پیشنهادات ذیل در مراحل قانونگذاری و اجرایی است: قانونگذار ایران بایستی یک قانون یا مقرر ویژه و روشنی در باب رسیدگی افتراقی به جرائم دانش‌آموزان پیش‌بینی کند و در این راستا از شیوه‌های عدالت ترمیمی و با اولویت نشست‌های خانوادگی بهره‌برد.

قانونگذار بایستی ضمن پیش‌بینی عدالت ترمیمی در مدارس، جرائم خفیف و سبکی را احصا کند که دست کم به این جرائم در مدرسه رسیدگی گردد و وارد نظام قضایی نشود.

در نشست‌ها و از جمله نشست‌های خانوادگی به یک تسهیلگر نیاز است که باید در قانون این وظیفه به مددکار اجتماعی متخصصی محول شود، به علاوه اینکه سایر سازوکارهای اجرایی برگزاری نشست باید با استمداد از تجارب سایر نظام‌های حقوقی به صورت نظام‌مند تنظیم شود.

اجرای برنامه‌های ترمیمی در مدارس نیازمند صرف زمان، هزینه و برنامه‌ریزی دقیق است که دستگاه‌های اجرایی از جمله دولت و سایر نهادها باید با همکاری همه‌جانبه به ایجاد این سازوکار مبادرت ورزند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Mohammadi M, Aboozari M. Restorative Investigation of Student Juvenile Offenses Based on School Capacities Journal Crime Prevention Approach. 2019; 2(3): 33-52. [Persian]
2. Rezvani S, Kordaliavand R. The Comparative Study of Restorative Practices in Schools: a Manifestation of Restorative Justice. Comparative Law Review. 2018; 9(2): 661-683. [Persian]
3. Shiri A. Paradigms of Criminal Justice Retributive Justice and Restorative Justice. Journal of Private Law Studies. 2007; 74: 213-246. [Persian]
4. Mirnaghizadeh M, Safari A. Comparing Classic Justice with Restorative Justice. Journal of Civil and Legal Sciences (Ghahonyar). 2017; 1(2): 199-220. [Persian]
5. Mohamadpour N, Alizadeh Aghdam M, Pashazadeh H, Abbaszadeh M. Comparative Study of Restorative Justice and Criminal Justice Based on the Sociological Approach to Law. Scientific and Research Quarterly of Social Sciences. 2011; 7(28): 100-117. [Persian]
6. Zare Bidsardareh A, Shadmanfar M, Yousefzadeh A. Implementation of the Restorative Justice System in Iran's Military Judiciary and Comparative Study with UK Law. Journal of Comparative Legal Research of Iran and International. 2017; 10(38): 315-347. [Persian]
7. Noorpoor M, Esfandiari ME. Developments in the Police Institution in the Context of Criminological Findings. International Police Studies Journal. 2015; 20: 113-135. [Persian]
8. Beiranvand R, Yarahmadi H. Executive criminal policy of the Iranian police in the use of restorative justice tools against children and adolescents. Police Criminological Researches. 2021; 2(2): 25-49. [Persian]
9. Rezaei K, Sabzevari E, Kargar M, Tirafkan B, Alijani A. Reflection of Iran's Criminal Policy in the 2013 Criminal Procedure Code Regarding Mediation Orders by the Prosecutor's Office in the Light of Restorative Justice. International Quarterly of Ghanounyar. 2019; 3(12): 91-116. [Persian]
10. Tabibzadeh P, Eslami R. The Concept and the Elements of Participation in the Process of Restorative Justice's Process and Its Impact on Transitional Society. The Judiciary Law Journal. 2019; 83(107): 161-185. [Persian]
11. Amirheshmati D, Goldouzian I. Exercise of preemptive legitimate defense in the fight against terrorism. Journal of Police International Studies. 2013; (16): 76-107. [Persian]
12. Ebrahimi N, Kalantari K, Safari Kakroodi A. Traditional and Restorative Police Function in the Shamefulness of Juvenile Delinquents. Journal of Research Police Science. 2017; 19(4): 61-88. [Persian]
13. Lyubansky M, Barter D. Restorative Justice in Schools: Theory, Implementation and Realistic Expectations. Edited by Njoku MGC, Jason LA, Johnson RB. The Psychology of Peace Promotion. Peace Psychology Book Series. Cham: Springer; 2019.
14. Strong H. Student Crimes Against Schools; A Potential Platform for Restorative Justice Approach (Case Study of Actions Taken by the University of Canberra-Australia). Translated by Varvaei A, Nikparvar M. Biannual Journal of Women's Police Studies. 2012; 6(16): 117-137. [Persian]
15. Taghizadeh Zanoqi M. Substantive and formal innovations of the new law for the protection of children and adolescents. Journal of Modern Jurisprudence and Law. 2020; 1(3): 176-190. [Persian]
16. Sharifnejad A, Yousefian Shoredeli B, Baghizadeh M. The role of schools in the prevention and management of juvenile delinquency. Scientific Quarterly of Educational Research. 2022; 17(72): 157-194. [Persian]
17. Honari ghane E. School Crime-Inducing Factors in the Light of Criminological Theories. Tehran: Arshadan Educational Publications; 2022. [Persian]
18. Makray A, Zehr H. The Little Book of Family Group Conferences. Translated by Gholami H. Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly; 2007. [Persian]
19. Abbasi M. Restorative justice, justice idea Niuean Declaration. Journal of Public Law Research. 2003; 5(9): 85-129. [Persian]
20. Konani S, Amadeh GH. Logic and Method of Restorative Justice in Dealing with Crime and Delinquency (With a Critique of the Restorative Approach of the Criminal Procedure Code). Quarterly of Judicial Legal Research. 2018; 1: 57-83. [Persian]
21. Braithwaite J. Linking Crime Prevention to Restorative Justice (Translated by Ali Sharifzadeh). Judiciary Legal Journal. 2004; 48 & 49: 285-306. [Persian]
22. Dandurand Y. Handbook on Restorative Justice Programmes. New York: United Nations Publication; 2006.

23. Braithwaite V, Bazargan Z. Restorative justice approach to violence in schools. Tehran: 2nd Biennial International Conference on Restorative Justice; 2018.
24. Wood WR, Suzuki M, Hayes H. Restorative Justice in Youth and Adult Criminal Justice. Printed from Oxford Research Encyclopedias, Criminology and Criminal Justice; Oxford: Oxford University Press; 2022.
25. Heater S. Restorative justice Programs in Australia. A report to the criminology research council, Center for restorative justice, research school and social sciences. Canberra: Australia National University; 2001.
26. Gholami H. Restorative Justice; Principles and Methods. Journal of Police Knowledge Research. 2003; 19: 36-55. [Persian]
27. Rajabi F, Mehrah N. Responding to Juvenile Delinquency: Estimative or Restorative. Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research. 2017; 32(13): 85-121. [Persian]
28. Kazempourfard F, Rangchi Tehrani A. The Effects of Restorative Justice in Family Crimes. Family Law and Jurisprudence Journal. 2018; 23(68): 153-170. [Persian]
29. Haji Hosseini H. Introduction to the "Restorative Justice" School Compared to the "Restorative-Penal" School of Islam. Rasael Journal. 2015-16; (5 & 6): 157-178. [Persian]
30. Kazempourfard F, Rangchi Tehrani A. The Effects of Restorative Justice in Family Crimes. Family Law and Jurisprudence Journal. 2018; 23(68): 153-170. [Persian]
31. Nasimi Qazi-Jahani R. Criminal Mediation of Para-Judicial Institutions. Quarterly of Social Sciences Studies. 2019; 5(4): 30-40. [Persian]